

مناجات شَعْبَانِيَه

بخط ابوالحسن مظفر

نگارش آسان

مناجات شعبانیه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ای خدا درود فرست بر محمد و آلش *

وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ ❁

و چون تو را بخوانم دعای مرا اجابت فرما *

وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتَكَ ❁

و هرگاه تو را ندا کنم، ندایم بشنو *

۴
وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ

و چون با تو مناجات کنم به حالم توجه فرما *

فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ

که من به سوی تو گریخته‌ام *

۵
وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ

و در حضور حضرتت ایستاده در حالی که به درگاهت

مُسْتَكِينًا لَكَ * مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ *

به حال پریشانی * تضرع و زاری می‌کنم *

رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي

و به آنچه نزد توست، چشم امید به پاداش خود دارم *

وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي

و تو از دلم آگاهی *

وَتَخْبِرُ حَاجَتِي

و حاجتم را می دانی *

وَتَعْرِفُ ضَمِيرِي

و ضمیر مرا می شناسی *

۸
وَلَا يَخْفَىٰ عَلَيْكَ أَمْرٌ مِّنْ قَلْبِي

و هیچ امری از امور دنیا و آخرت من، بر تو

وَمَثْوَايَ

پنهان نیست *

وَمَا أُرِيدُ

و آنچه

أَنْ أُبْدِيَّ بِهِ مِنْ مَنطِقِي

می خواهم که به زبان اظهار کنم *

وَأَتَفَوَّهُ بِهٖ مِنْ طَلِبَتِي

و از حوائج من سخن گویم، همه را می دانی *

وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي

و (می دانی) آنچه برای حسن عاقبت من تو امید دارم *

وَ قَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ

و حکم تقدیر تو بر من ای سید من تا آخر عمر

يَا سَيِّدِي

جاری و نافذ است *

فِيْمَا يَكُوْنُ مِنْيْ اِلَى اٰخِرِ عُمْرِي

(آنچه که) در باطن و ظاهرم (هست) *

مِنْ سَرِيْرَتِيْ وَ عَلَانِيَتِيْ

و هر زیادت و نقصان که بر من وارد آمده *

وَبِيَدِكَ لَا بِيَدٍ غَيْرِكَ زِيَادَتِي

همه به دست توست نه غیر تو

وَنَقَّصِي وَنَفَعِي وَضَرِي 

و (هرآنچه از) سود و زیان *

إِلَهِي أَنْتَ حَرَمْتَنِي


ای خدا اگر تو مرا از رزقت محروم سازی

فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي؟ 

دیگر که تواند مرا روزی دهد؟ *

وَإِنِّي خَذَلْتَنِي

و اگر تو مرا خوار گردانی

فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي؟ 

که مرا یاری تواند کرد؟ *

إِلَهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ

ای خدا به تو پناه می‌برم از غضب تو

وَحُلُولِ سَخَطِكَ

و از ورود خشم و سخطت *

إِلَهِي

ای خدا

إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ

اگر من لایق رحمت نیستم *

فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ

تو لایقی که بر من از فضل و کرم بی پایانت

بِفَضْلِ سَعَتِكَ

جود و بخشش کنی *

إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي وَأَقِفَةٌ بَيْنَ يَدَيْكَ

ای خدای من، گویا من اکنون در حضور تو ایستاده‌ام *

وَقَدْ أَظْلَمْتُهَا حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ

و حسن توکلم بر تو به سرم سایه لطف انداخته *

فَقُلْتَ (فَفَعَلْتَ) مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ

و آنچه از کرم و احسان تو را شایسته است با من به جا آورده‌ای

وَ تَعَمَّدَتْنِي بِعَفْوِكَ ❁

و عفو و آمرزشت مرا فرا گرفته است *

إِلَهِي أَنْتَ عَفْوَةٌ


ای خدا اگر تو مرا عفو کنی،

فَمَنْ أَوْلَىٰ مِنْكَ بِذَلِكَ؟ 

که از تو سزاوارتر به عفو است؟ *

وَإِنْ كَانَ قَدُّ دَنَا أَجَلِي

و اگر اجلم نزدیک شد

وَلَمْ يُدْنِي (يَدُّنُ) مِنْكَ عَمَلِي 

و عمل صالحم مرا به تو نزدیک نکرد *

فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ

من هم اقرار به گناهانم را وسیلهٔ عفو

إِلَيْكَ وَسَيْلَتِي

قرار داده‌ام *

إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي

خدایا من در توجهم به نفس خود

فِي النَّظَرِ لَهَا

بر خویش ستم کردم *

فَلَهَا الْوَيْلُ إِنَّ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا

پس ای وای بر نفس من اگر تو او را نیامرزی *

إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بَرَكًا عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي

ای خدا چنانکه لطف و احسانت در تمام مدت زندگی شامل حالم بود *

فَلَا تَقْطَعُ بَرَكَ عَنِّي

پس در مرگ مرا از احسانت

فِي مَمَاتِي ❁

محروم مساز ❁

إِلَهِي كَيْفَ أَيْسُ

ای خدا چگونه مایوس

مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي؟

از احسانت بعد مردنم شوم؟ *

وَأَنْتَ لَمْ تُؤَلِّني (تولنی)

و حال آنکه تو در تمام عمرم با من

إِلَّا أَجْمِلُ فِي حَيَاتِي ❁

جز به نیکی و احسان عمل نکردی *

إِلَهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي

ای خدا با من آن کن که تو را شاید

مَا أَنْتَ أَهْلُهُ  و

(نه آنچه مرا باید) *

وَعُدُّ عَلَىٰ بِفَضْلِكَ عَلَىٰ مُذْنِبٍ

و باز هم ترحم فرما به فضل و کرم بر گنهکاری که

قَدْ غَمَرَهُ وَ جَهَلَهُ ❁

در لجه گناه از جهل و نادانی فرو رفته *

إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا


ای خدا تو در دار دنیا گناهانم را از تمام خلق

فِي الدُّنْيَا

پنهان داشتی *

وَ أَنَا أَحْوَجُ إِلَى سِتْرِهَا عَلَيَّ

و من محتاج ترم به ستاريت،

مِنْكَ فِي الْآخِرِي * 

در آخرت (بیش از دنیا) *

إِلَهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا

و چون لطف کردی و گناهانم را

لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

بر هیچ بنده صالحی آشکار نکردی *

فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ

پس روز قیامت هم مرا مفتضح و رسوا

عَلَى رُءُوسِ الْأَشْهَادِ

در حضور جمیع خلائق مگردان *

إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِي

خدایا جود و بخششت بساط آرزوی مرا گسترده *

وَعَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي

و عفو تو بهتر از عمل من است *

إِلَهِي فَسُرِّنِي بِإِقْبَائِكَ

ای خدا مرا به لقاء خود شاد گردان

يَوْمَ تَقْضَىٰ فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ

آن روزی که میان بندگانت حکم می‌کنی *

إِلَهِي اِعْتِذَارِي إِلَيْكَ اِعْتِذَارُ

ای خدا من به درگاہت عذر می خواهم

مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ عَنِ قَبُولِ عُدْرِهِ

چون کسی که به قبول عذر، سخت محتاج است *

فَاقْبِلْ عُدْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اعْتَذَرَ

پس عذرم بپذیر ای کریم‌ترین کسی که گنهکاران

إِلَيْهِ الْمُسِيءُونَ

از او معذرت می‌طلبند *

إِلَهِي لَا تَرُدُّ حَاجَتِي

ای خدا حاجتم را رد مکن *

وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي

و دست طمعم را از درگاهت محروم برمگردان *

وَلَا تَقْطَعُ مِنْكَ رَجَائِي وَأَمَلِي

و امید و آرزویم را از لطف و کرمات منقطع مساز *

إِلَهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي

ای خدا اگر تو اراده خواری من داشتی، به هدایت و احسانت سرافرازم نمی‌کردی *

وَلَوْ أَرَدْتُ فَضِيحَتِي

و اگر می خواستی مرا رسوا سازی،

لَمْ تُعَافِنِي

در دنیا معافم نمی فرمودی *

إِلَهِي مَا أَظْنُكَ تَرُدُّنِي فِي حَاجَةٍ

ای خدای من هرگز به تو این گمان نمی‌برم که حاجتی که به تو دارم

قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي طَلِبِهَا مِنْكَ

و عمرم را در طلبش فانی کردم، باز روان سازی *

إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا

ای خدا حمد و ثنا مختص توست حمد ابدی *

دَائِمًا سَرْمَدًا

و دایم سرمدی *

يَزِيدُ وَلَا يَبِيدُ

که همی بیفزاید و هرگز فنا نپذیرد،

كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

چنانکه تو دوست بداری و بپسندی *

إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي

ای خدا اگر مرا به جرمم مؤاخذہ کنی،

أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ

تو را به عفو تو مؤاخذہ می‌کنم *

وَإِنِّ أَخَذْتُ بِذُنُوبِي

و اگر مرا به گناهانم بازخواست کنی

أَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ

تو را به مغفرتت بازخواست کنم *

وَإِنِّي أَدْخَلْتَنِي النَّارَ

و اگر مرا به آتش دوزخ ببری

أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّي أَحِبُّكَ ❁

اهل آتش را آگاه خواهم کرد، که من تو را دوست می‌داشتم *

إِلَهِي إِنْ كَانَتْ صَغُرَ

ای خدا اگر در مقابل طاعتت،

فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي 

عملم اندک است *

فَقَدْ كَبُرَ

در مقابل رجاء

فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي 

و امید به کرمت، آرزویم بسیار است *

إِلَهِي كَيْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ

ای خدا چگونه از درگاه لطفت محروم

بِالْخَيْبَةِ مَحْرُومًا؟ 

و ناامید برگردم؟ *

وَقَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ

در صورتی که به جود و احسان تو حسن ظن بسیار داشتم

أَنْ تَقْلِبَنِي بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا

که به حالم ترحم کرده و عاقبت از اهل نجاتم می‌گردانی *

إِلَهِي وَقَدْ أَفْنَيْتَ عُمْرِي

ای خدا عمرم را فانی ساختم

فِي ثِيْرَةٍ السَّهُوِ عِنْدَكَ

با درد و غفلت از تو *

وَ اَبْلَيْتُ شَبَابِي

و بفرسودم جوانیم را،

فِي سَكْرَةِ التَّبَاعِدِ مِنْكَ

در مستی بعد از تو *

إِلَهِي فَلَمْ أَسْتَيْقِظْ أَيَّامًا اغْتِرَارِي بِكَ

ای خدا پس بیدار نشدم روزگاری را که مغرور گزمت بودم

وَرُكُونِي إِلَى سَبِيلِ سَخَطِكَ

* و به راه سخط و غضبت می رفتم *

إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ

ای خدا من بنده تو

وَابْنُ عَبْدِكَ

و فرزند بنده توام *

قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ ❁

که در پیشگاه حضورت ایستاده‌ام *

مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ ❁

و کرم و رحمتت را به سویت، وسیله خود قرار داده‌ام *

إِلَهِي أَنَا عَبْدٌ أَتَنَصَّلُ إِلَيْكَ

ای خدا منم بنده‌ای که به عذر خواهی به درگاہت آمده‌ام

مِمَّا كُنْتُ أَوْ أَجْهَلُ بِهِ

از اعمال زشتی که به جا آورده‌ام

مِنْ قِلَّةِ اسْتِحْيَائِي

به واسطهٔ قلت حیا

مِنْ نَظْرِكَ

به حضورت و در نظرت *

وَاطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ

و از تو عفو و بخشش می طلبم

إِذَا الْعَفْوَ نَعْتٌ لِكَرَمِ مَلِكٍ

که عفو، وصف کرم توست *

إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ

ای خدا من ندارم قدرتی را

فَأَنْتَقِلْ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ

که از معصیت باز گردم

إِلَّا فِي وَقْتٍ أَيْقَظْتَنِي لِمَحَبَّتِكَ

مگر آنکه تو به عشق و محبت مرا بیدار گردانی *

وَكَأَمَا أَرَدْتُ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ

یا آنکه چنانکه تو می خواهی باشم *

فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي

و شکر تو گویم، چون مرا

فِي كَرَمِي

به کرمت داخل کردی *

وَلِتَطْهِّرِ قَلْبِي

و قلبم را

مِنْ أَوْسَاخِ الْغَفْلَةِ عِنْدَ 

از پلیدی‌های غفلت، پاک و پاکیزه گردانیدی *

إِلَهِي أَنْظِرْ إِلَى

ای خدا از لطف به حال من

نَظَرَ مَنْ نَادَيْتَهُ وَفَاجَابَكَ

چنان بنگر که به کسی که او را خواندی و اجابت کرد، می‌نگری *

وَاسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَاطَاعَكَ

و به کار طاعت واداشتی و اطاعت نمود *

يَا قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمَغْتَرِبِ

ای نزدیکی که هرگز دور از آنکه فریفته توست نمی‌شوی *

وَيَا جَوَادًا

و ای با جود و کرمی

لَا يَبْخُلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ  و

که هرگز بخل بر آنکه امید احسانت دارد، نمی‌کند *

إِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا

ای خدا به من دلی عطا کن

يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ 

که مشتاق مقام قرب تو باشد *

وَلِسَانًا يَرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقَهُ 

و زبانی که سخن صدقش، به سوی تو بالا رود *

وَنَظْرًا يَقْرِبُهُ مِنَّا حَقَّهُ 

و نظر حقیقتی که تقرب تو جوید *



إِلَهِي إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرَ مَجْهُولٍ

ای خدا آنکه به تو معروف شد، هرگز مجهول و بی نام نشود *



وَمَنْ لَا ذِبْلَاءَ غَيْرَ مَخْذُولٍ

و هر که به تو پناه آورد هرگز خوار نگردد *

وَمَنْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ (مَمْلُوءٍ)

و هر که تو به او توجه کنی بندهٔ دیگری نشود

إِلَهِي إِنْ مِنْ أَنْتَهَجَ بِكَ لِمُسْتَنِيرٍ

* ای خدا هر که به تو راه یافت، روشن شد *

وَإِن مِّنْ أَعْتَصِمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ

و هر که به تو پناه بُرد، پناه یافت *

وَقَدْ لُدَّتْ بِكَ يَا إِلَهِي

و من به درگاه تو پناه آورده‌ام پس تو ای خدا *

فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ

حسن ظن مرا به رحمتت نومید مساز *

وَلَا تَحْجُبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ

و از فروغ رأفت و عنایتت مرا محجوب مگردان *

إِلَهِي أَقِمْنِي فِي أَهْلِ وِلايَتِكَ

ای خدا مرا در میان اولیاء خود

مُقَامَ مَنْ رَجَا الزِّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ

مقام آن کس را بخش که به امید زیاد شدن محبت توست *

الهِمِّي

ای خدا

وَالْهَمِّي وَلَهَا بِذِكْرِكَ إِلَيَّ ذِكْرٌ * 

و مرا واله و حیران یاد خود، برای یاد خود گردان *

وَهَيْمَتِي فِي رَوْحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ

و همتم را بر نشاط و فیروزی در اسماء خود

وَمَحَلِّ قُدْسِكَ

و مقام قدس خویش موقوف ساز *

إِلَهِي بِكَ عَلَيْكَ إِلَّا أَحَقَّتَنِي

ای خدا به ذات پاکت و به حقی که تو را بر خلق است قسم،

بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ

که مرا به اهل طاعتت ملحق ساز *

وَالْمُتَّوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ

و منزل شایسته از مقام رضا و خوشنودیت عطا فرما *

فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا

که من قادر نیستم دفع شری از خود کنم *

وَلَا أَمْلِكُ لَهَا نَفْعًا

یا جلب نفعی برای خود کنم *

إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمَذْنِبُ

ای خدا من بنده ضعیف گنهکار هستم *

وَمَمْلُوكِكَ الْمُنِيبِ (الْمُعِيبُ) ❁ فَلَا

و بندهٔ توبه‌کار پر عیب و نقص توام * پس مرا

تَجْعَلَنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ ❁

از آنان که روی از آنها می‌گردانی قرار مده *

وَ حَجَبَهُ وَ سَهْوَهُ وَ عَنِ عَفْوِكَ

و (از آنان که) به غفلت از عفو محجوب شدند، قرار مده *

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ

ای خدا مرا وارستگی کامل به سوی خود عطا فرما *

وَإِنِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا

و روشن ساز دیده‌های دل ما را،

بِضِيَاءٍ نَظَرَهَا إِلَيْكَ

به نوری که به آن نور تو را مشاهده کند *

حَتَّى تَخْرُقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ

تا آنکه دیده بصیرت ما

حُجُبِ النُّورِ

حجاب‌های نور را بر دَرَد *


فَتَصِلْ إِلَى مَعْدِنِ الْعُظْمَةِ * وَتَصِيرَ

و به نور عظمت واصل گردد * و جان های ما

أَرَوَا حُنَا مَعْلَقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ *

به مقام قدس عزت بپیوندد *

إِلَهِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ

ای خدا مرا از آنان قرار ده که چون او را ندا کنی

فَاجَابِلَهُ

تو را اجابت می‌کند *

وَأَحْضَطْتَهُ ۖ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ ۖ

و چون به او متوجه شوی از تجلی جلال و عظمتت مدهوش می‌گردد *

فَنَاجَيْتَهُ ۖ سِرًّا ۖ وَعَمِلَ لَكَ جَهْرًا ۖ

پس تو با او در باطن راز می‌گویی و او به عیان به کار تو مشغول است *

إِلَهِي نَمُ اسْلِطْ عَلَي حُسْنِ ظَنِّي

ای خدا بر حسن ظنم به تو یأس و ناامیدی

قُنُوطِ الْإِيَّاسِ

مسلط مساز *

وَلَا انْقَطِعَ رَجَائِي

و دست امیدم

مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ

از دامن کرم نیکویت، جدا مگردان *

إِلَهِي إِنْ كُنْتَ ائْتَابِيَا

ای خدا اگر خطاهایم مرا نزد تو

قَدْ اسْقَطْتَنِي لَدَيْكَ

پست و خوار گردانیده *

فَاَصْفَحْ عَنِّي

هم به واسطه حسن اعتماد به تو

بِحُسْنِ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ

از من عفو کن *

إِلَهِي إِنْ حَطَّتْ نِي الذُّنُوبُ

ای خدا اگر گناهانم مرا

مِنْ مَكَارِمِ لَطْفِكَ

از لطف و کرامت‌هایت دور کرده *

فَقَدْ نَبَّهَنِي الْيَقِينُ

مقام یقینم مرا به کرم

إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ

و عطوفتت تذکر می دهد *

إِلَهِي إِنْ أَنَامْتَنِي الْغَفْلَةُ

و اگر غفلت مرا به خواب غرور افکند

عَنِ الْأُسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ

از مہیای لقای تو شدن *

فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْمَعْرِفَةَ

معرفتم به نعمت‌های بزرگوارت،

بِكْرِمِ الْإِثْلَاءِ

بیدار می‌گرداند *

إِلْهِبِي إِنَّ دَعَايَ إِلَى النَّارِ

ای خدا اگر عقاب و انتقام تو

عَظِيمٌ عِقَابِي

مرا به آتش دوزخ خواند *

فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ

ثواب و عنایتت مرا

جَزِيلُ ثَوَابِكَ

به سوی بهشت ابد دعوت کرد *

إِلَهِي فَلَا أَسْأَلُ

ای خدا پس من هر چه بخوام از تو خواهم

وَإِلَيْكَ أَبْتِهَلُ وَأَرْغَبُ

و به درگاهت با ناله و زاری و شوق و رغبت می‌نالم *

وَاسْأَلْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و از تو می‌طلبم که درود فرستی بر محمد «ص»

وَآلِ مُحَمَّدٍ ❁

و آل محمد *

وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْرِكُهُمُ الذِّكْرُ ﴿١٠٠﴾

و مرا از آنان قرار دهی که دائم به یاد تو هستند *

وَلَا يَنْقُصُ عَهْدَكَ ﴿١٠١﴾

و هرگز عهد تو نشکنند *

وَلَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ

و شکر و سپاست را لحظه‌ای فراموش نکنند *

وَلَا يَسْتَخِفُّ بِأَمْرِكَ

و امرت را سبک نشمرند *

إِلَهِي وَأَحِقِّنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْإِبْهَجِ

ای خدا و مرا به نور مقام عزتت که بهجت و نشاطش از هر لذت بالاتر است در پیوند *

فَاكُونِ لَكَ عَارِفًا

تا آنکه شناسای تو باشم *

وَعَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا

و از غیر تو رو بگردانم *

وَمِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا

و از تو ترسان و مراقب فرمان باشم *

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ❁

ای خدای صاحب جلال و بزرگواری *

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ

و درود خدا بر رسولش محمد «ص»



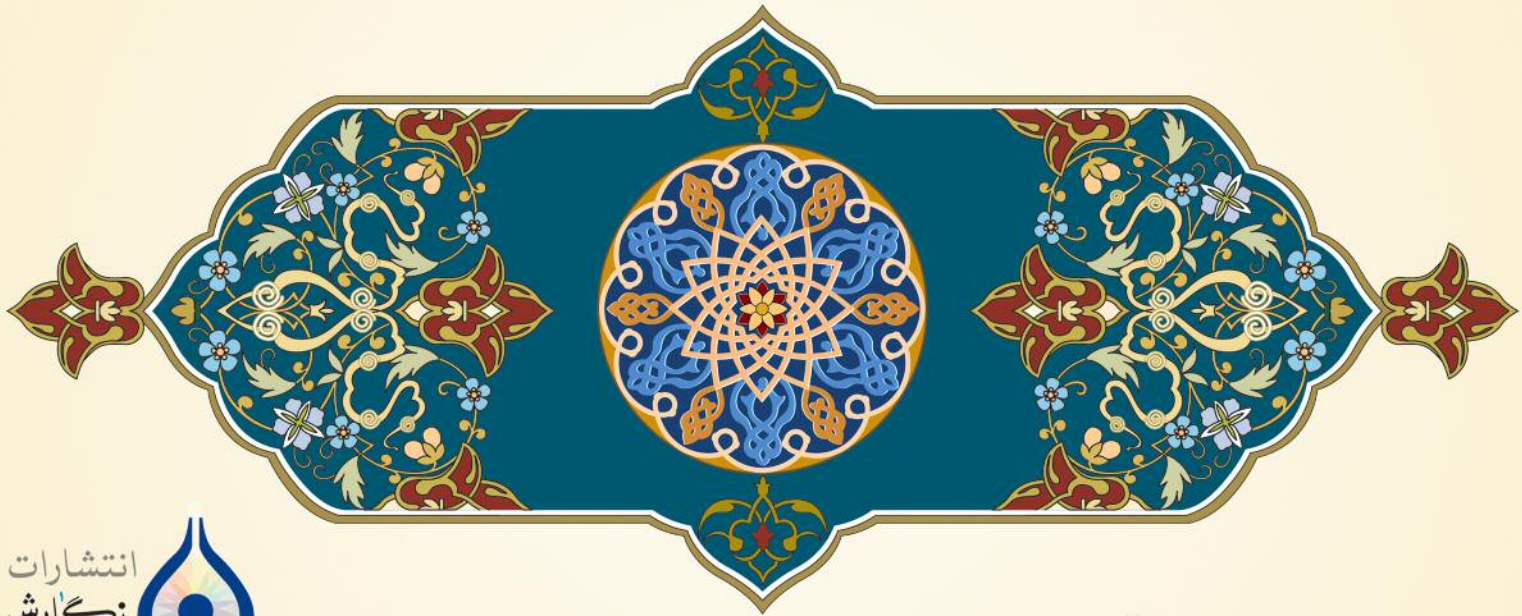
وَعَالِيهِ الطَّاهِرِينَ

و بر اهل بیت پاکش *



وَسَلَامٌ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

و سلام و تحیت بسیار باد *



انتشارات
نگارش
آسان

برای دریافت جدیدترین آثار به کانال: t.me/negarahasanpub مراجعه کنید.